

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# حدیث تشبیہ

علامہ میر حامد حسین

تصحیح و تحقیق: آیت اللہ سید علی میلانی

تلخیص و ترجمہ: مرتضیٰ نادری



انتشارات نبأ

سرشناسه	: کنتوری، میرحامد حسین ۱۸۳۰ - ۱۸۸۸ م
عنوان قراردادی	: عبقات الانوار فی امامة الائمة اطهار. فارسی. برگزیده التحفة الاثنی عشریة. شرح نجات الازهار فی خلاصة عبقات الانوار. فارسی. برگزیده
عنوان و نام پدید آور	: حدیث تشبیه علامه میرحامد حسین / تصحیح و تحقیق علی میلانی؛ تلخیص و ترجمه مرتضی نادری.
مشخصات نشر	: تهران: نیا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۴۸ ص
شابک	: ۵ - ۹۵ - ۸۳۲۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸
یادداشت	: کتاب حاضر تلخیصی از خلاصه عبقات الانوار حدیث تشبیه معروف به نجات الازهار فی خلاصة عبقات الانوار... است که خود خلاصه‌ای از عبقات الانوار... نوشته حامد حسین الکنتوری است که خود ردیه‌ای است بر تحفه الاثنی عشریة عبدالعزیز دهلوی.
موضوع	: علی بن ابیطالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت -- احادیث
موضوع	: دهلوی، عبدالعزیز بن احمد، ۱۱۵۹ - ۱۲۳۹ ق.. التحفه الاثنی عشریة -- نقد و تفسیر
موضوع	: احادیث خاص (تشبیه)
موضوع	: شیعه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
شناسه افزوده	: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -، مصحح
شناسه افزوده	: دهلوی، عبدالعزیز بن احمد، ۱۱۵۹ - ۱۲۳۹ ق.. التحفه الاثنی عشریة. شرح
شناسه افزوده	: نادری، مرتضی، ۱۳۵۳
رده بندی کنگره	: ۳۰۴۲۱۷ ۱۳۹۰ ت ۹ د / ۵ / ۲۱۲ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۱۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۵۷۵۱۵

## « حدیث تشبیه »

مؤلف: علامه میرحامد حسین هندی

تصحیح و تحقیق: آیت الله سید علی میلانی /

تلخیص و ترجمه: مرتضی نادری / چاپ: صفیه / چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه / قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال / کد کتاب: ۲۰۱ / ۱۴۸

ناشر: انتشارات نیا / تهران، خیابان شریعتی، روبروی ملک، خیابان

شبستری، خیابان ادیبی، شماره ۲۶ تلفکس: ۷۷۵۰۶۶۰۲ - ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک: ۵ - ۹۵ - ۸۳۲۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ISBN : 978 - 964 - 8323 - 95 - 5

## فهرست

مقدمه	۵
۱) آشنایی با حدیث تشبیه	۱۵
روایات گوناگون حدیث تشبیه	۱۵
روایت ابوالحمرء	۱۵
۲. روایت ابوسعید خُدری	۱۷
۳. روایت ابن عباس	۱۸
۴. روایت ابوهریره	۱۹
۵. روایت انس بن مالک	۲۱
۶. روایت جابر بن عبدالله انصاری	۲۲
۷. روایت حارث همدانی	۲۳
نقل حدیث تشبیه به شکل «ارسال مسلم»	۲۵
حدیث تشبیه در شعر شاعران	۲۶
۱. مُفَجَّع بَصْرِي (م ۳۲۷)	۲۶
۲. سنایی غزنوی (م ۵۲۵)	۲۸
۳. عطار نیشابوری (م ۶۱۸)	۲۸

دانشمندانِ ناقل حدیث تشبیه	۲۸
نتیجه	۳۲
<b>(۲) پیام حدیث تشبیه</b>	
۱. برابری با پیامبران	۳۳
ترکیب سخن در حدیث، برابری را می‌رساند	۳۳
آنچه از تشبیه به ذهن متبادر می‌شود، برابری است	۳۴
آمدن تشبیه در قرآن کریم برای نشان دادن برابری	۳۵
۲. برتری از دیگر افراد امت	۳۶
اعتراف ابوبکر به دلالت حدیث تشبیه به افضلیت	۳۷
برتری پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> از دیگر پیامبران در قرآن کریم	۳۹
اعتراف ابن تیمیّه به افضلیت شبیه‌ترین فرد به نبی اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>	۴۱
۳. عصمت	۴۳
تشبیه غیر معصوم به معصوم، جایز نیست	۴۳
تحریم تشبیه برخی از احوال غیر نبی به نبی	۴۴
نتیجه	۴۵
فهرست منابع	۴۷

## مقدمه

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

#### الف) افضلیت

دانشمندان مسلمان امامت را به «جانشینی پیامبر ﷺ در ریاست عامه امور دین و دنیای مسلمین» تعریف کرده‌اند. قید «عامه» در این تعریف، برای این است که «قضات» یا «امرای لشکر» از تعریف خارج شوند؛ زیرا هر چند آنان نیز ریاست دارند، ولی ریاستشان عام نیست.<sup>۱</sup>

قاضی عَظُمُ الدین ایجی و شریف جرجانی، دو تن از عالمان بزرگ اهل تسنن، معتقدند که تعریف امامت به «جانشینی رسول در برپای داشتن دین و حفظ کیان آیین، به گونه‌ای که پیروی از او بر همه امت

---

۱. النکت الاعتقادیه، ص ۳۹؛ شرح المواقیف، ج ۵، ص ۳۴۵.

واجب باشد»<sup>۱</sup> از تعریف پیشین بهتر است.

در هر حال، از تعاریف یادشده، این نکات به دست می‌آید:

۱. همان‌گونه که پیامبر در تمام امور دین و دنیای امت رئیس بود، امام نیز پس از پیامبر، در تمام امور دین و دنیای امت، رئیس است؛
۲. امام پس از پیامبر، دین خدای را بر پای می‌دارد و از آیین الهی پاسداری می‌کند؛

۳. پیروی از امام بر همه افراد امت واجب است؛ چنان‌که پیروی از پیامبر بر همه افراد امت واجب بود.

در این میان، روشن است که پیامبر در آگاهی از دین و عمل به آن، از تمام افراد امتش برتر است. از سوی دیگر، وجوب پیروی مطلق از پیامبر، نشان می‌دهد که وی در گفتار و رفتار، معصوم و از هر خطا و اشتباهی، منزّه است. به سخن دیگر، پیامبر از تمام افراد امت «افضل» است. از این رو، جانشین او نیز معصوم و در علم و عمل، از تمام افراد امت «افضل» خواهد بود.

این حکم صریح عقل است و خلاف آن نزد عقل، قبیح و نادرست است. آیا خردپذیر است که با وجود کسی که دانشش به تعالیم و احکام دین و تفسیر آیات قرآن بیش از دیگران و در عمل به دستورهای دین سرآمد افراد امت است، کسی رئیس دین و دنیای مسلمین و عهده‌دار

---

۱. شرح المواقف، ج ۵، ص ۳۴۵.

اقامه و حفظ دین شود که در علم و عمل، پایین‌تر از اوست؟! آیا خردمندان است که با وجود «افضل» مردمان از «مفضول» (فروتر) پیروی کنند؟! آیا هیچ عاقلی می‌پذیرد که آدمیان خردمند معصوم را وانهند و غیر معصوم را امام خود گردانند؟! نه! این «تصویری است که عقلش نمی‌کند تصدیق»!

باری، تقدیم (پیش‌انداختن) مفضول بر افضل، نزد عقل قبیح است. از همین رو و در عمل به این اصل عقلی، شیعیان معتقدند که «افضلیت» یکی از شروط امامت است و امام باید «افضل» افراد امت باشد و افضل افراد امت «امام» است.<sup>۱</sup> در این میان، شماری از سنیان در لزوم «افضلیت» امام، با شیعیان همداستان‌اند<sup>۲</sup> و شگفتا از اینکه بعضی از آنان چنین نمی‌اندیشند!<sup>۳</sup>

قرآن کریم نیز تقدیم مفضول بر افضل را بر نمی‌تابد و می‌گوید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى؟»<sup>۴</sup> قرآن نه تنها تقدیم مفضول بر افضل را روا نمی‌دارد، بلکه تساوی میان این دو را نیز نادرست بر می‌شمارد. نزد قرآن، مسلمانان و مجرمان<sup>۵</sup>، مؤمنان صالح و مفسدان،

---

۱. ر.ک: تلخیص المحضّل، ص ۴۳۱؛ کشف المراد، ص ۴۹۵؛ نهج الایمان، ص ۶۱-۶۴؛ نهج الحق، ص ۱۶۸؛ المسلك فی اصول الدین، ص ۲۰۵؛ شرح باب حادی عشر، ص ۱۰۲ و ۸۵-۸۶.

۲. نفحات الازهار، ج ۸، ص ۳۶۱-۳۶۴.

۳. شرح المواقب، ج ۵، ص ۳۷۲-۳۷۳.

۴. آیا کسی که به سوی حق راه می‌نماید به پیروی سزاوارتر است یا آن که خود راه به جایی نمی‌برد، مگر اینکه راهبری‌اش کنند؟ (یونس (۱۰) / ۳۵)

۵. القلم (۶۸) / ۳۵.

تقواییشان و گناهکاران<sup>۱</sup>، دانیان و نادانان<sup>۲</sup>، و مؤمن و فاسق<sup>۳</sup>، هرگز یکسان نیستند.<sup>۴</sup>

### ب) حدیث تشبیه

کتب حدیث و تفسیر و تاریخ نشان می‌دهند که رسول خدا ﷺ در جایهای گوناگون و در زمانهای مختلف، در حضور مسلمانان، از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام سخن گفته است. یکی از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره، حدیث «تشبیه» است؛ حدیثی که در کتابهای اهل سنت، از جابر بن عبدالله انصاری، عبدالله بن عباس، ابوسعید خدری، انس بن مالک و ابوهریره - که همگی از اصحاب پیامبرند - و ابوالخمراء خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله و حارث همدانی، پرچمدار علی علیه السلام روایت شده است.

بر اساس این حدیث، شماری از صفات کمال که در پیامبران الهی پراکنده شده، در حضرت علی علیه السلام یکجا فراهم آمده است: علم و وقار آدم، فهم و حکمت و تقوای نوح، خلق نکو و حلم ابراهیم، هیبت موسی، زهد و عبادت عیسی، و کمال و جمال محمد صلی الله علیه و آله. اینک نمونه‌ای از روایات متعدد حدیث تشبیه:

---

۱. ص (۳۸) / ۲۸.

۲. الزمر (۳۹) / ۹.

۳. السجدة (۳۲) / ۱۸.

۴. نیز ر. ک: الملک (۶۷) / ۲۲؛ آل عمران (۳) / ۱۶۲؛ الرعد (۱۳) / ۱۹.



مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَ إِلَى يَحْيَى بْنِ  
زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ وَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ  
أَبِي طَالِبٍ.<sup>۱</sup>

هر که می خواهد دانش آدم و فهم نوح و دنیا پرهیزی یحیی بن زکریا و  
صلابت موسی بن عمران را ببیند، علی بن ابی طالب را بنگرد.

حدیث تشبیه در کتب حدیث شیعه نیز روایت شده است. راویان این  
حدیث در کتابهای شیعه، این کسان اند: امام حسین علیه السلام<sup>۲</sup>، ابوذر<sup>۳</sup> و  
ابن عباس<sup>۴</sup>. برای نمونه، در روایت امام حسین علیه السلام از این حدیث  
آمده است:

جماعتی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گرد ایشان را گرفته بودند که  
علی علیه السلام به سوی ایشان آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام نگریست و  
فرمود:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى يُوسُفَ فِي جَمَالِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي سَخَائِهِ وَ إِلَى  
سُلَيْمَانَ فِي بَهْجَتِهِ وَ إِلَى دَاوُودَ فِي قُوَّتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا.

۱. خلاصه عیقات - حدیث تشبیه، ص ۱۵۵، به نقل از: مناقب خوارزمی، ص ۴۰.

۲. امالی صدوق، ص ۶۵۹.

۳. الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین، ص ۳۴ و ۹۸.

۴. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵؛ امالی شیخ مفید، ص ۱۴؛ امالی شیخ طوسی، ص ۴۱۶.

هر که می‌خواهد جمال یوسف و بخشندگی ابراهیم و شادابی سلیمان و توانمندی داوود را ببیند، به این مرد بنگرد.<sup>۱</sup>

ابوذّر غفاری نیز از روایان حدیث تشبیه است. وی می‌گوید:

نزد رسول خدا ﷺ بودم که به ناگاه، برخاست و از سر سپاس خدا، به رکوع رفت و سجده کرد. سپس به من فرمود:

ای جنذب، هر که می‌خواهد دانش آدم، فهم نوح، خدادوستی ناب ابراهیم، مناجات موسی، دنیاپرهیزی عیسی و شکیبایی ایوب در آزمون الهی را ببیند، به مردی بنگرد که پیش می‌آید؛ همو که چون خورشید و ماه و ستاره درخشان است؛ همو که دلیرترین و بخشنده‌ترین مردمان است. خدا دشمنش را نفرین کند.

پس مردم روی گرداندند تا ببینند که آن مرد کیست. آن مرد علی بن ابی طالب رضی الله عنه بود.<sup>۲</sup>

### کتاب حاضر

حدیث تشبیه به برتری امیر مؤمنان رضی الله عنه از سایر مردمان، بلکه به برتری وی از همه پیامبران، جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلالت می‌کند و چون علی رضی الله عنه برترین فرد امت پس از رسول خداست، تنها اوست که شایسته «خلافت عام» و «امامت» است. و بنا بر قاعده عقلی قبح پیشی گرفتن کهنتر بر مهتر

۱. امالی صدوق، ص ۶۵۹.

۲. الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین، ص ۹۸ - ۹۹.

(مفضول بر افضل)، پیشی گرفتن دیگری بر او در خلافت، درست نیست. چنان‌که در ادامه خواهد آمد، حدیث تشبیه از سوی بیش از چهل تن از دانشمندان اهل تسنن، از صحابه‌ای که نامشان گذشت، نقل شده است. این همه، مولوی عبدالعزیز دهلوی (م ۱۲۳۹)<sup>۱</sup> گفته است که حدیث تشبیه از احادیث اهل سنت نیست و در کتابهای آنان، اثری از آن یافت نمی‌شود. در نظر دهلوی، این حدیث حاکی از تشبیهی صرف است؛ مانند تشبیه خاک صحن پادشاهان به مشک و سنگریزه‌هایش به مروارید و یاقوت؛ بدین سبب، این حدیث نزد وی، به افضلیت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ دلالت نمی‌کند. دهلوی البته، دلالت افضلیت به امامت را نیز پذیرفته است. او همه این سخنها را در باب هفتم کتاب تحفه اثنا عشریه نوشته است؛ کتابی در رد عقاید شیعه و متشکل از دوازده باب.<sup>۲</sup>

پس از تألیف کتاب تحفه از سوی دهلوی، دانشمندان شیعه پاسخهای بسیاری بر آن نوشتند. از میان این پاسخها، یکی کتاب عِبَقَات الْأَنْوَارِ فِي إِمَامَةِ الْأَيْمَّةِ الْأَطْهَارِ اثر میر حامد حسین (م ۱۳۰۶) است. میر حامد در عِبَقَاتش، تنها به بررسی و نقد باب هفتم تحفه دهلوی، یعنی باب امامت، پرداخت و در هزاران صفحه، آنچه را دهلوی در دهها صفحه نوشته بود، به شیوه علمی و پژوهشی و به شکل کامل و جامع، پاسخ گفت. برای نمونه، آنچه دهلوی پیرامون حدیث تشبیه بر زبان رانده، کمتر از ده صفحه، ولی پاسخ

۱. «م» یعنی متوفی و تاریخها، همه، به هجری قمری است.

۲. اغلب مطالب کتاب دهلوی برگرفته از کتاب «الصّوَابِع» اثر مولوی نصرالله کابلی است. (ر.ک: مقدمه مرحوم میر حامد حسین در مجلد حدیث تشبیه عِبَقَات)

میر حامد حسین به سخنان او بیش از چهارصد صفحه است.

میر حامد حسین کتاب عِبَقَات را در دو بخش سامان داده است. وی در نخستین بخش، به دلالت برخی از آیات قرآن به امامت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام پرداخته و در دومین بخش، احادیث امامت را از حیث سند و دلالت، کاویده است. تحقیقات میر حامد حسین در احادیث امامت و نکات ظریف و دقیقی که او از این احادیث استخراج کرده، نمونه ارزشمندی است از پژوهشهای عالمان شیعی در معنای حدیث.

دانشمند معاصر، سید علی حسینی میلانی، عِبَقَاتِ میر حامد را تلخیص کرد و بخشهای فارسی اش را به عربی برگرداند و آن را نَفَحَاتِ الْأَزْهَارِ فِي خِلَاصَةِ عِبَقَاتِ الْأَنْوَارِ نامید. مجلد حدیث تشبیه کتاب نَفَحَاتِ، پیشتر به دست راقم این سطور ترجمه و از سوی انتشارات نبأ چاپ و منتشر شد. آنچه اکنون به خوانندگان گرامی تقدیم می شود، چکیده ای است از تحقیقات ارزشمند علامه میر حامد حسین در مجلد حدیث تشبیه عِبَقَاتِ. خوانندگان این کتاب در خواهند یافت که:

۱. حدیث تشبیه از احادیث اهل سنت است و از قرن سوم تا سیزدهم هجری، بیش از چهل تن از عالمان اهل تسنن، این حدیث را نقل کرده اند.
  ۲. بنا بر قواعد ادبی و به دلالت خرد فطری، حدیث تشبیه نشان دهنده افضلیت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام از سایر افراد امت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. قرآن کریم و اقوال دانشمندان اهل سنت، این برداشت را تصدیق و تأیید می کنند.
- در پایان، ناشر محترم را به خاطر رهنمودهای سودمندش، سپاس

مقدمه / ۱۳

می‌گویم و از استاد عبدالحسین طالعی به خاطر راهنمایی‌های بی‌دریغش، تشکر می‌کنم. بهترین هدیه‌ای که خوانندگان این کتاب به صاحب این قلم توانند داد، انتقادات دقیق و پیشنهادهای سودمند و سازنده است.

مرتضی نادری

۲۱ تیر ۱۳۹۰ خورشیدی



## آشنایی با حدیث تشبیه

### روایات گوناگون حدیث تشبیه

حدیث تشبیه از افراد مختلف و با الفاظ گوناگون، از رسول خدا ﷺ روایت شده است. روایات متعدّد این حدیث، نشان می‌دهد که نبی اکرم ﷺ در زمانها و مکانهای متعدّد، این حدیث را بیان کرده است. اینک شماری از آن روایات:

#### روایت ابوالحمراء

ابوالحمراء خادم پیامبر ﷺ از آن حضرت نقل کرده است:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَإِلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ وَإِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

هر که می‌خواهد دانش آدم و فهم نوح و دنیاپرهیزی یحیی بن زکریا و

صلاحت موسی بن عمران را ببیند، علی بن ابی طالب را بنگرد.

حدیث تشبیه به روایت ابوالحمراء، از سوی شمار بسیاری از دانشمندان اهل سنت نقل شده است. حاکم نیشابوری (م ۴۰۵)<sup>۱</sup>، احمد بن حسین بیهقی (م ۴۵۸)<sup>۲</sup>، حاکم حَسْکَانِی (م ۴۹۰)<sup>۳</sup>، شیرویه دیلمی (م ۵۰۹)<sup>۴</sup>، ابن عساکر (م ۵۷۱)<sup>۵</sup>، ابوالفتح نطنزی (قرن ششم)<sup>۶</sup>، شهردار دیلمی (م ۵۵۸)<sup>۷</sup>، خطیب خوارزمی (م ۵۶۹)<sup>۸</sup>، حاکمی قزوینی (م ۵۹۰)<sup>۹</sup>، فخرالدین رازی (م ۶۰۶)<sup>۱۰</sup>، ابن طلحه شافعی (م ۶۵۲)<sup>۱۱</sup>، محبّ الدین طبری (م ۶۹۴)<sup>۱۲</sup>، سید شهاب الدین احمد (قرن نهم)<sup>۱۳</sup>، ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵)<sup>۱۴</sup>، کمال الدین میبیدی (م ۸۷۰)<sup>۱۵</sup>،

- 
۱. خلاصه عقیقات - حدیث تشبیه، ص ۹۹، به نقل از: مناقب خوارزمی، ص ۴۰.
  ۲. به نقل بسیاری از عالمان اهل سنت؛ از جمله، ابن ابی الحدید در: شرح نهج البلاغه ج ۹، ص ۱۶۸.
  ۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۳.
  ۴. خلاصه عقیقات - حدیث تشبیه، به نقل از: فردوس الاخبار.
  ۵. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۱۳.
  ۶. خلاصه عقیقات - حدیث تشبیه، ص ۱۵۰، به نقل از: الخصائص العلویّه.
  ۷. همان، ص ۱۵۳، به نقل از: مسند الفردوس.
  ۸. همان، ص ۱۵۵، به نقل از: مناقب خوارزمی، ص ۴۰.
  ۹. همان، ص ۱۸۲، به نقل از محبّ الدین طبری در: الرياض النَّصْرَه، ج ۳ - ۴، ص ۱۹۶ و ذخائر العقبی، ص ۹۳.
  ۱۰. همان، ص ۲۴۶ - ۲۴۷، به نقل از: الاربعین فی اصول الدین، ص ۳۱۳.
  ۱۱. همان، ص ۲۰۳ - ۲۰۴، به نقل از: مطالب السُّؤل، ص ۶۱.
  ۱۲. همان، ص ۲۱۲، به نقل از: الرياض النَّصْرَه، ج ۳ - ۴، ص ۱۹۷ و ذخائر العقبی، ص ۹۳.
  ۱۳. همان، ص ۲۲۴ - ۲۲۶، به نقل از: توضیح الدلائل.
  ۱۴. همان، ص ۲۲۸، به نقل از: الفصول المهمّه، ص ۱۲۳.
  ۱۵. همان، ص ۲۳۵، به نقل از: الفواتح.



## آشنایی با حدیث تشبیه / ۱۷

جمال‌المحدثین ششیرازی (م ۱۰۰۰)<sup>۱</sup>، ابن‌باکثیر  
مکی (م ۱۰۴۷)<sup>۲</sup>، ولی‌الله دهلوی (م ۱۱۷۶)<sup>۳</sup>، امیر محمد صنعانی  
(م ۱۱۸۲)<sup>۴</sup> قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴)<sup>۵</sup> در شمار این کسان‌اند.<sup>۶</sup>

ابن‌طلحه شافعی پس از نقل حدیث تشبیه می‌نویسد:

پیامبر ﷺ با این سخن، برای علی رضی الله عنه دانشی مانند دانش آدم و  
تقوایی همچون تقوای نوح و حلمی بسان حلم ابراهیم و هیبتی  
شبه هیبت موسی و عبادتی همانند عبادت عیسی را اثبات  
کرده‌است. در این حدیث، به‌روشنی، به دانش و تقوا و بردباری و  
هیبت و عبادت علی رضی الله عنه و به بلندی این ویژگیها در وی تا اوج  
همانندی با پیامبران مرسل - صلوات الله علیهم أجمعین - در صفات  
یادشده و مناقب بر شمرده‌شده، اشاره شده‌است.<sup>۷</sup>

## ۲. روایت ابوسعید خُدَری

ابوسعید خُدَری صحابی پیامبر ﷺ گفته‌است:

۱. همان، ص ۲۳۸، به نقل از: الاربعین فی مناقب امیرالمؤمنین.
۲. همان، ص ۲۴۰، به نقل از: وسیلة المأل.
۳. همان، ص ۲۴۶ - ۲۴۷، به نقل از: قرّة العینین.
۴. همان، ص ۲۴۷، به نقل از: الروضة التّدیّة.
۵. ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۱۸۳.
۶. شرح حال این دانشمندان همراه با یادکرد و ناقشتشان را در ترجمه مجلد حدیث تشبیه  
خلاصه عیقات ببینید.
۷. خلاصه عیقات - حدیث تشبیه، ص ۲۰۴، به نقل از: مطالب السّؤل، ص ۶۱.

پیرامون پیامبر بودیم که علی بن ابی طالب به سوی ما آمد. آن حضرت نگاه خود را به علی دوخت و سپس فرمود:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي حُكْمِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي جَلْمِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا.

هر که می خواهد دانش آدم و داوری نوح و بردباری ابراهیم را ببیند، به این مرد بنگرد.

حدیث تشبیه به روایت ابوسعید خُدَری، توسط ابن شاهین (م ۳۸۵) نقل شده است.<sup>۱</sup> ابن شاهین در سخن رجال شناسان اهل سنت، با واژگانی نظیر «حافظ»، «مفسر»، «ثقه»، «امین» و «صدوق» ستایش شده است.<sup>۲</sup>

### ۳. روایت ابن عباس

ابن عباس، صحابی پیامبر ﷺ نقل می کند:

روزی رسول خدا ﷺ در میان گروهی از اصحابش نشسته بود که علی وارد شد. چون چشمان پیامبر ﷺ به علی افتاد، فرمود:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي حِكْمَتِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي جَلْمِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

هر که می خواهد دانش آدم و حکمت نوح و بردباری ابراهیم را ببیند، علی بن ابی طالب را بنگرد.

۱. همان، ص ۸۸، به نقل از: کتاب السنه.

۲. همان، ص ۸۸ - ۹۶.

روایت ابن عباس از حدیث تشبیه، از سوی سه تن از دانشمندان بزرگ اهل تسنن، یعنی ابن بَطَّه عُكْبَرِي (م ۳۸۷)<sup>۱</sup>، مَلَاءِ اِزْبِلِي (م ۵۷۰)<sup>۲</sup> و گنجی شافعی (م ۶۵۸)<sup>۳</sup> نقل شده است. این سه تن، همگی، به تصریح رجال شناسان اهل تسنن، از عالمان معتبر و موثق به شمار می‌روند و کتابهایشان نزد اهل سنت مورد اعتماد است.<sup>۴</sup>

گنجی شافعی پس از نقل حدیث تشبیه در کتابش کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب می‌نویسد:

پیامبر ﷺ علی را در دانش، به آدم، در حکمت (یا داوری)، به نوح و در بردباری، به ابراهیم خلیل مانند کرده است. بنابراین، علی خُلق و خوی پیامبران را داشت و به اوصاف برگزیدگان آراسته بود.<sup>۵</sup>

#### ۴. روایت ابوهریره<sup>۶</sup>

ابوهریره نقل کرده است:

- 
۱. همان، ص ۹۶، به نقل از: کفایة الطالب، ص ۱۲۱.
  ۲. همان، ص ۱۹۳، به نقل از: وسیلة المتعبدین، ج ۵، ص ۱۶۸.
  ۳. همان، ص ۲۱۰، به نقل از: کفایة الطالب، ص ۱۲۱.
  ۴. همان، ص ۹۶-۹۹ و ۱۹۳-۲۰۰ و ۲۱۰-۲۱۱.
  ۵. همان، ص ۲۱۰-۲۱۱، به نقل از: کفایة الطالب، ص ۱۲۱.
  ۶. عموم اهل سنت ابوهریره را راوی معتبری می‌دانند؛ ولی شیعیان او را معتبر نمی‌دانند. استناد به روایت ابوهریره در نقل حدیث تشبیه، درست است؛ زیرا: ۱. وی نزد اهل تسنن، راوی معتبری است و این اعتبار سبب پذیرش این حدیث از سوی آنان خواهد شد؛ ۲. نامعتبر بودن ابوهریره نزد شیعه، بدین معنا نیست که هر آنچه وی از پیامبر ﷺ نقل کرده، دروغین است؛ به ویژه اینکه حدیث تشبیه از سوی راویان معتبری نیز نقل شده است و ضعف روایت ابوهریره با نقل دیگران، جبران می‌شود.

رسول خدا ﷺ در حالی که در میان جمعی از یاران خویش نشست  
بود، فرمود:

إِنْ تَنْظُرُوا إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ نُوحَ فِي هَمِّهِ وَ إِبْرَاهِيمَ فِي خُلُقِهِ وَ مُوسَى  
فِي مُنَاجَاتِهِ وَ عِيسَى فِي سُنَنِهِ وَ مُحَمَّدٍ فِي هُدْيِهِ وَ حِلْمِهِ، فَانظُرُوا إِلَى  
هَذَا الْمُقْبِلِ.

اگر می خواهید دانش آدم، همت نوح، خوی ابراهیم، نیایش موسی،  
روش عیسی و سیرت و بردباری محمد را ببینید، به کسی بنگرید که به  
سویتان می آید.

پس مردمان، همه، برای دیدن آن مرد، گردن فراز کردند. او علی بن  
ابی طالب بود.

حدیث تشبیه به روایت ابوهریره، توسط یاقوت حموی (م ۵۴۳)<sup>۱</sup>،  
ابن ابی الحدید (م ۶۵۶)<sup>۲</sup> و قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴)<sup>۳</sup> نقل شده است.<sup>۴</sup>  
حموی این حدیث را از طریق عبدالرزاق صنعانی، از معمر، از زهری، از  
سعید بن مسیب<sup>۵</sup>، از ابوهریره نقل کرده است. سمرقندی و ابن ابی الحدید  
این حدیث را به بزرگ محدث سنی، احمد بن حنبل (م ۲۴۱) نسبت

۱. معجم الادباء، ج ۵، ص ۲۳۴۲.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۶۸.

۳. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۶۳.

۴. شرح حال یاقوت حموی را در خلاصه عیقات - حدیث تشبیه، ص ۵۳-۵۶ ببینید.

۵. این چهار تن نزد اهل تسنن، از بزرگ ترین و موثق ترین راویان حدیث پیامبر ﷺ  
محسوب می شوند. (ر.ک: خلاصه عیقات - حدیث تشبیه، ص ۳۱-۴۹)

## ۵. روایت انس بن مالک

ابوحاتم رازی با سند خود، از انس نقل کرده است:

در یکی از حجره‌های مکه، درباره علی گفتگو می‌کردیم که رسول خدا ﷺ نزد ما آمد و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي شِدَّتِهِ وَ إِلَى عِيسَى فِي زَهَادَتِهِ وَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ بَهَائِهِ وَ إِلَى جَبْرَائِيلَ وَ أَمَانَتِهِ وَ إِلَى الْكُوكَبِ الدَّرِيِّ وَ الشَّمْسِ الضَّحِيِّ وَ الْقَمَرِ الْمُضِيِّ، فَلْيَتَطَوَّلْ وَ لْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا الرَّجُلِ.

ای مردم! هر که می‌خواهد دانش آدم و فهم نوح و بردباری ابراهیم و صلابت موسی و دنیاپرهیزی عیسی و جمال محمد و امانتداری جبرئیل و ستاره درخشان و خورشید تابان و ماه نور افشان را ببیند، گردن فراز کند و به این مرد بنگرد.

و به علی بن ابی طالب اشاره کرد.<sup>۲</sup>

ابن مغازلی (م ۴۸۳)<sup>۳</sup>، عاصمی (قرن ششم)<sup>۴</sup>، ابراهیم و صابی یمنی

۱. روایت ابوالحمرء را نیز به احمد نسبت داده‌اند. (ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۶۳)

۲. خلاصه عیقات - حدیث تشبیه، ص ۸۲، به نقل از: زین الفتی بتفسیر سورة هل اتی.

۳. همان، ص ۱۲۸، به نقل از: مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۱۲.

۴. همان، ص ۱۴۶، به نقل از: زین الفتی فی تفسیر سورة هل اتی.

(قرن دهم)<sup>۱</sup>، میرزا محمد بدخشانی (قرن یازدهم)<sup>۲</sup> ناقلان حدیث تشبیه به روایت انس بن مالک اند.

عاصمی، در خطبه کتابش زین الفتی بتفسیر سورة هل ائی می نویسد:

در علی مرتضی شباهتی با پدرمان آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ و سپس شباهتهایی با پیامبران پس از او وجود دارد؛ پیامبرانی که نخستین ایشان آدم و سپس نوح و ابراهیم خلیل و یوسف صدیق و موسای کلیم و داوود توانمند و سلیمان سپاسگزار و ایوب شکیبیا و یحیی بن زکریا و عیسی روح الله و در پایان، محمد مصطفی عَلَيْهِ السَّلَامُ است. آنچه روش ما را در یادکرد شباهتهای علی با پیامبران، استوار می‌دارد، حدیثی است که...<sup>۳</sup>

و سپس حدیث تشبیه را روایت می‌کند.

#### ۶. روایت جابر بن عبدالله انصاری

جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز از راویان حدیث تشبیه است. ناقل روایت جابر، سید علی همدانی (م ۷۷۶) از مشایخ عرفانی اهل سنت است. همدانی در کلام عالمان اهل تسنن، با اوصافی بلند ستایش شده است.<sup>۴</sup> وی این حدیث را از جابر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱. همان، ص ۲۳۷، به نقل از: الاکتفاء فی مناقب الخلفاء.

۲. همان، ص ۲۴۲، به نقل از: مفتاح النجا فی مناقب آل العبا.

۳. همان، ص ۱۴۶.

۴. همان، ص ۲۲۲-۲۲۴.

چنین نقل کرده است:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِسْرَافِيلَ فِي هَيْبَتِهِ وَ إِلَى مِيكَائِيلَ فِي رُتْبَتِهِ وَ إِلَى جِبْرَائِيلَ فِي جَلَالَتِهِ وَ إِلَى آدَمَ فِي سَلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي حُسْنِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي خُلَّتِهِ وَ إِلَى يَعْقُوبَ فِي حُزْنِهِ وَ إِلَى يُوسُفَ فِي جَمَالِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي مُنَاجَاتِهِ وَ إِلَى أَيُّوبَ فِي صَبْرِهِ وَ إِلَى يَحْيَى فِي زُهْدِهِ وَ إِلَى عِيسَى فِي سُنَنِهِ وَ إِلَى يُونُسَ فِي وَرَعِهِ وَ إِلَى مُحَمَّدٍ فِي جِسْمِهِ وَ خُلُقِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ؛ فَإِنَّ فِيهِ تِسْعِينَ خَصْلَةً مِنْ خِصَالِ الْأَنْبِيَاءِ، جَمَعَهَا اللَّهُ فِيهِ وَ لَمْ يَجْمَعْ فِي أَحَدٍ غَيْرِهِ.<sup>۱</sup>

هر که می خواهد هیبت اسرافیل و مرتبت میکائیل و جلالت جبرائیل و آشتی پذیری آدم و نیکویی نوح و خدادوستی ناب ابراهیم و حزن یعقوب و جمال یوسف و راز و نیاز موسی و شکیبایی ایوب و دنیا پرهیزی یحیی و روش عیسی و پرهیزکاری یونس و خلقت نیکو و خلق نیک محمد را ببیند، علی را بنگرد؛ چرا که در وی نود خوی از خوبیهای پیامبران نهفته است که تنها در او و نه در کسی دیگر، گرد آمده است.

سید علی همدانی تمام این نود خوی پسندیده را در کتاب جواهر الأخبار آورده است.

## ۷. روایت حارث همدانی

حارث همدانی، پرچمدار امیرالمؤمنین عليه السلام نیز حدیث تشبیه را روایت

---

۱. همان، ص ۲۲۱، به نقل از: المودّة فی القربى. نیز: ینابیع المودّة، ج ۲، ص ۳۰۶.

کرده است. حارث می‌گوید:

پیامبر ﷺ در میان گروهی از اصحابش فرمود:

أُرِيكُمْ آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ نُوحًا فِي فَهْمِهِ وَ إِبْرَاهِيمَ فِي حِكْمَتِهِ.

دانش آدم و فهم نوح و حکمت ابراهیم را به شما خواهم نمایاند.

طولی نکشید که علی بر آن جمع وارد شد. ابوبکر گفت:

یا رسول الله! آیا کسی را با سه تن از فرستادگان الاهی مقایسه کردی؟

آفرین بر این مرد. او کیست؟

پیامبر ﷺ پاسخ داد: ای ابوبکر! آیا او را نمی‌شناسی؟

ابوبکر گفت: خدا و فرستاده‌اش دانانترند که او کیست.

پیامبر ﷺ فرمود: آن مرد ابوالحسن، علی بن ابی طالب است.

ابوبکر گفت: آفرین! آفرین، ای ابوالحسن! کجا همانندی برایت پیدا

می‌شود؟

ناقل روایت حارث همدانی، ابن مردویه اصفهانی (م ۴۱۰) است.<sup>۱</sup>  
خطیب خوارزمی (م ۵۶۹) نیز این روایت را از طریق شهردار دیلمی  
(م ۵۵۸)، از ابن مردویه نقل کرده است.<sup>۲</sup> دیگر ناقل این روایت ابوحامد  
صالحانی (قرن ششم یا هفتم) است.<sup>۳</sup> ابن مردویه و صالحانی دو تن از

۱. مناقب علی بن ابی طالب، اثر ابن مردویه، ص ۱۴۷.

۲. خلاصه عیقات - حدیث تشبیه، ص ۱۰۹، به نقل از: مناقب خوارزمی، ص ۴۴ - ۴۵.

۳. همان، ص ۲۰۰، به نقل از: توضیح الدلائل.



دانشمندان و محدثان بزرگ و موثق اهل سنت اند.<sup>۱</sup>

### نقل حدیث تشبیه به شکل «ارسال مسلم»

اگر شهرت حدیث یا رخدادی، چنان زیاد باشد که در نقل آن، به ذکر سلسله روایان حاجتی نباشد، آن را بدون یادکرد سلسله روایانش می‌آورند؛ زیرا صدور حدیث یا رخداد مورد نظر، نزد گوینده، مسلم است و او برای نقل آن حدیث یا رخداد، نیازی به ذکر سلسله روایان نمی‌بیند. چنین شیوه‌ای در نقل حدیث، «ارسال مسلم» نام دارد.

شماری از دانشمندان اهل سنت، حدیث تشبیه را به شکل «ارسال مسلم» در کتابهایشان آورده‌اند. ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰)<sup>۲</sup>، عضدالدین ایجی (م ۷۵۶)<sup>۳</sup> و سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۲)<sup>۴</sup>، دو تن از عقایدشناسان برجسته سنی، از این شمارند.

برای نمونه، ابو نعیم اصفهانی، به نقل محمد صدرالعالم (قرن یازدهم یا دوازدهم) حدیث تشبیه را با الفاظ زیر به شکل ارسال مسلم، از پیامبر ﷺ نقل کرده است:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ

۱. همان، ص ۱۰۹-۱۱۴ و ۲۰۱-۲۰۳.

۲. شرح حال او را در خلاصه عقبات - حدیث تشبیه، ص ۱۱۴-۱۲۴ ببینید.

۳. المواقف، ج ۳، ص ۲۷۶.

۴. شرح المقاصد، ج ۲، ص ۳۰۰.

فِي خُلَّتِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.<sup>۱</sup>

هر که را نگرستن به دانش آدم و فهم نوح و خدادوستی ناب ابراهیم، شادمان می‌کند، به علی بن ابی طالب بنگرد.

### حدیث تشبیه در شعر شاعران

شماری از شاعران، حدیث تشبیه را به عربی یا فارسی، در اشعارشان سروده‌اند. اینک نام سه تن از آن شاعران، همراه با ابیاتی از شعرشان:

#### ۱. مُفَجَّعَ بَصْرِي (م ۳۲۷)

محمد بن احمد بن عبیدالله، مشهور به مُفَجَّع، کاتب و شاعر بصره، حدیث تشبیه را در اشعار خود سروده‌است. یاقوت حَمَوِي در شرح حال مُفَجَّعَ بَصْرِي می‌نویسد:

قصیده «ذات الأشباه» از آن اوست. این قصیده از آن رو به «ذات الأشباه» نامبردار شده که سراینده‌اش به حدیث تشبیه نظر داشته است؛ حدیثی که عبدالرزاق از مَعْمَر، از زُهْرِي، از سعید بن مُسَيَّب، از ابوهزیره نقل کرده‌است.<sup>۲</sup>

اینک ابیاتی از قصیده مُفَجَّع:

أَيُّهَا اللَّائِمِي لِجُبِّي عَلِيًّا قُمْ ذَمِيمًا إِلَى الْجَحِيمِ خَزِيًّا

۱. خلاصه عبقات - حدیث تشبیه، ص ۱۱۴، به نقل از: معارج العلی.

۲. معجم الادباء، ج ۵، ص ۲۳۴۲.

أَبْخَيْرِ الْأَنْامِ عَرَّضَتْ لَا زِلْدَ تَ مَذُوداً عَنِ الْهُدَى مَزُوبًا؟!  
أَشْبَهُ الْأَنْبِيَاءِ كَهَلًا وَ زُولًا وَ فَطِيمًا وَ رَاضِعًا وَ غَذِيًّا؟!  
كَانَ فِي عِلْمِهِ كَأَدَمَ إِذْ عُلِدَ لِمَ شَرَحَ الْأَسْمَاءِ وَ الْمَكْنِيَّاتِ  
وَ كَنُوحَ نَجَى مِنَ الْهَيْلِكِ مَنْ سُبِيَ سِيرَ فِي الْفُلْكِ إِذْ عَلَا الْجُودِيَّاتِ<sup>۱</sup>  
ای که مرا برای محبتم به علی سرزنش می‌کنی، برخیز و نکوهیده و رسوا به  
دوزخ در آی.

آیا از بهترین آفریدگان، به کنایه، خرده می‌گیری؟! همواره از هدایت دور و برکنار  
باشی!

همو که در میانسالی و جوانی و خردسالی و شیرخوارگی و جنینی، همانند  
پیامبران است؟

در دانشش چون آدم است، آن‌گاه که شرح نامها و کنیه‌ها (یا امور پوشیده) را  
بیاموخت.

و همچون نوح هر آن کس را که در کشتی بر نشست، از نابودی نجات داد؛ آن‌گاه  
که کشتی بر بلندای کوه جودی جای گرفت.

---

۱. معجم الادباء، ج ۵، ص ۲۳۴۲ - ۲۳۴۳.

## ۲. سنایی غزنوی (م ۵۲۵)

عارف نامی، سنایی غزنوی، مفاد حدیث تشبیه را در حدیقة الحقیقة در ابیاتی در ستایش مولایمان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به نظم در آورده است:

عالمی بود همچو نوح اُستاخ<sup>۱</sup> عالمی بود همچو روح فراخ  
دل او عالم معانی بود لفظ او آب زندگانی بود

## ۳. عطار نیشابوری (م ۶۱۸)

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری نیز در مصیبت نامه، مضمون حدیث تشبیه را در ابیاتی سروده است. بنگرید:

ای پسر تو بی‌نشانی از علی  
عین و لام و یا بدانی از علی  
مصطفی گفتش تویی آدم به علم  
نوح فهم آن‌گاه ابراهیم حلم  
همچو یحیی زهد و موسی بَطُّش کیست  
گر نمی‌دانی شجاع دین علی است<sup>۲</sup>

## دانشمندانِ ناقل حدیث تشبیه

دانشمندان و مؤلفان اهل تسنن در سده‌های مختلف، حدیث تشبیه را با الفاظ گوناگون و با زنجیره‌های نقل متنوع، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل و در

---

۱. اُستاخ: یگانه. (لغت‌نامهٔ دهخدا)

۲. به نقل: مجلد حدیث تشبیه عِبَقَات الانوار، ص ۳۳۶، چاپ سنگی.

آشنایی با حدیث تشبیه / ۲۹

سخنانشان بدان استشهاد کرده و در اشعار خود سروده‌اند. اینک نام شماری از این عالمان، در کنار قرنی که در آن درگذشته‌اند:

قرن	نام دانشمند	مجموع
سوم	عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱) احمدبن حنبل (م ۲۴۱) ابوحاتم رازی (م ۲۷۷)	۳
چهارم	ابن شاهین (م ۳۸۵) ابن بطة عکبری (م ۳۸۷)	۲

قرن	نام دانشمند	مجموع
پنجم	حاکم نیشابوری (م ۴۰۵) ابن مردودیه اصفهانی (م ۴۱۰) ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰) ابویکر بیهقی (م ۴۵۸) ابن مغازلی (م ۴۸۳) حاکم حسکانی (م ۴۹۰)	۶
ششم	شیرویه دیلمی (م ۵۰۹) عاصمی ابوالفتح نطنزی سنایی غزنوی (م ۵۲۵) ابن عساکر (م ۵۷۱) شهردار دیلمی (م ۵۵۸) خطیب خوارزمی (م ۵۶۹) ملاء اربلی (م ۵۷۰) ابوالخیر حاکمی (م ۵۹۰)	۹
	فخر رازی (م ۶۰۶) ابوحامد صالحانی	

۶	ابن طلحہ شافعی (م ۶۵۲) ابن ابی الحدید (م ۶۵۶) گنجی شافعی (م ۶۵۸) محبّ الدین طبری (م ۶۹۴)	هفتم
۵	شیخ الاسلام حَمَوّی (م ۷۲۲) <sup>۱</sup> عَضُد الدین ایجی (م ۷۵۶) سید علی همدانی (م ۷۷۶) سعد الدین تفتازانی (م ۷۹۲) نور الدین، جعفرین سالار نام دانشمند	هشتم
مجموع		قرن
۵	شهاب الدین احمد ملک العلماء ہندی (م ۸۳۹) ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵) کمال الدین میبدی (م ۸۷۰) صفوری شافعی (م ۸۹۴)	نہم
۲	ابراہیم وَصابی جمال الدین شیرازی (م ۱۰۰۰)	دہم
۲	ابن باکنیر مکی (م ۱۰۴۷) میرزا محمد بَدَخْشانی	یازدہم
۳	محمد صدر العالم، مؤلف معارج العلی ولی اللہ دہلوی (م ۱۱۷۶) محمد صنعانی (م ۱۱۸۲)	دوازدهم
۳	عجیلی شافعی (م ۱۲۳۳) ولی اللہ لکھنوی قندوزی حنفی (م ۱۲۹۳)	سیزدهم

آشنایی با حدیث تشبیه / ۳۱

	۴۶	مجموع دانشمندان ناقل حدیث از قرن سوم تا سیزدهم
--	----	--

### نتیجه

حدیث تشبیه در کتب اهل سنت، از رسول خدا ﷺ روایت شده است. این حدیث را نخست، تنی چند از صحابه پیامبر ﷺ مانند: جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، ابن عباس، انس بن مالک، ابوهریره و ابوالحمراء، از حضرتش روایت کردند. سپس شماری از تابعان، مانند حارث همدانی، سعید بن مسیب و ابن شهاب زهری آن را از صحابه روایت کردند. پس از اینها، دانشمندان و مؤلفان اهل تسنن از قرن سوم تا قرن سیزدهم، حدیث تشبیه را در کتابهایشان نقل کردند. شمار اینان به بیش از چهل تن می‌رسد.



## ۱. برابری با پیامبران

ترکیب سخن در حدیث، برابری را می‌رساند.

اصل ترکیب «هر که می‌خواهد به... نظاره کند» نشان می‌دهد، کسی که نگرستن بدو خواسته شده با کسی که نگرستن به او امر شده است، در ویژگی مورد نظر، یکسان‌اند. این سخن درست مانند آن است که گفته شود: هر که می‌خواهد به برترین مرد شهر بنگرد، فلانی را نظاره کند. تردیدی نیست که در این سخن، جایی برای تشبیه وجود ندارد؛ یعنی مقصود این نیست که کسی که نگرستن بدو امر شده، حقیقتاً برترین مرد شهر نبوده، بلکه مشابه برترین مرد شهر است. در چنین کلامی، جایی برای آنکه مراد گوینده تنها مشابهت باشد، نیست؛ بلکه مقصود آن است که شخص مورد نظر حقیقتاً همان برترین مرد شهر است.

آری، بدان سبب که در این حدیث شریف، این همانی و عینیت ممکن

نیست، نزدیک‌ترین معنا، یعنی برابری، مراد خواهد بود. لذا مقصود حدیث این است که هر کس می‌خواهد آدم را ببیند و دانش او را نظاره کند، علی بن ابی طالب را بنگرد؛ چراکه علی در دانش، با آدم برابر است و همه دانشهای گردآمده در آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ در علی عَلَيْهِ السَّلَامُ جمع است. دیگر ویژگیهای یادشده در حدیث نیز همین گونه‌اند. بنابراین، روشن شد که مراد حدیث، تنها برابری در ویژگیهاست؛ در غیر این صورت، سخن نبوی از بلاغتی که شایسته آن است، فرو می‌افتد.

**آنچه از تشبیه به ذهن متبادر می‌شود، برابری است.**

جمله «زید در دانش یا زیبایی یا دارایی، مانند عمرو است» را در نظر بگیرید. نخستین معنایی که از این جمله به ذهن می‌رسد، برابری میان زید و عمرو در ویژگیهای مذکور است و هیچ کس، جز آن که منکر واضحات و بدیهیات است، در این باره تردید نمی‌کند. همچنین، در حالتی که میان طرفین رابطه تساوی برقرار نباشد، مثل وقتی که زید در دانش مساوی عمرو نیست، تشبیه آن دو به یکدیگر درست نیست. از سوی دیگر، اگر زید در زیبایی مساوی عمرو نباشد، می‌توان گفت: زید در زیبایی مانند عمرو نیست. بنا بر همه اینها، آنچه از تشبیه به ذهن متبادر می‌شود، برابری مُسَبَّهٌ وَ مُسَبَّبٌ به در وجه شَبَّهَ است.

دانشمندان در مباحث علمی می‌گویند: **كَذَا فِي الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ** (مانند این در آن آیه کریمه)؛ و **كَذَا فِي الْحَدِيثِ الشَّرِيفِ** (و مانند این در آن حدیث شریف). آنان وقتی به حدیثی احتجاج می‌کنند، می‌گویند: مسلم نیز مانند

### پیام حدیث تشبیه / ۳۵

این را یاد کرده است؛ بخاری نیز مانند این را نقل کرده است. و هرگاه سخنان درباره برخی از احکام فرعی فقهی باشد، می‌گویند: شافعی مانند این گفته است؛ ابوحنیفه مانند این گفته است و...

تردیدی نیست که مقصود ایشان از چنین سخنانی، تساوی و برابری است و آنچه به ذهن شنوندگان این سخنان متبادر می‌شود، همین است و اگر مطابقت تام وجود نمی‌داشت، گوینده خود را در معرض انتقاد و مؤاخذه‌ای سخت نهاده بود. بنابراین، تشبیه در چنین عباراتی، معنایی جز برابری ندارد. تشبیه امام عَلَيْهِ السَّلَامُ با پیامبران در صفاتی که در حدیث تشبیه یاد شده، همین گونه است. این تشبیه بر یکسانی تام و برابری کامل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و پیامبران مذکور در حدیث، در اوصاف یاد شده دلالت می‌کند.

### آمدن تشبیه در قرآن کریم برای نشان دادن برابری

در سوره احقاف می‌خوانیم: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ: پس شکیبایی کن؛ همان گونه که فرستادگان اولوالعزم شکیبایی کردند.»<sup>۱</sup> روشن است که هدف از این تشبیه، برابری شکیبایی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و فرستادگان اولوالعزم است؛ نه اینکه شکیبایی وی از شکیبایی آنان کمتر باشد.

دلیل اثبات برابری از حدیث تشبیه، همان دلیل مفسران است در برداشت برابری از این آیه. ابوالسعود، مفسر اهل سنت، می‌نویسد:

---

۱. احقاف (۴۶) / ۳۵.

آیه «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» جواب شرطی محذوف است؛ یعنی: هرگاه سرانجام کافران همان است که پیشتر یاد شد، بر سختیهایی که از آنان به تو می‌رسد، شکیبایی کن؛ چنان‌که فرستادگان پایداری و استوار شکیبایی ورزیدند؛ زیرا تو در شمار همانان بلکه در زمره بلند مرتبه‌هایشان هستی.<sup>۱</sup>

## ۲. برتری از دیگر افراد امت

دیگر پیام حدیث تشبیه افضلیت (= برتری) امیرمؤمنان علیه السلام از همه افراد امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. زیرا بنا بر این حدیث، حضرت علی علیه السلام در علم، مانند حضرت آدم علیه السلام، در فهم، مانند حضرت نوح علیه السلام، در حلم، مانند حضرت ابراهیم علیه السلام، در صلابت مانند حضرت موسی علیه السلام، در زهد، مانند حضرت عیسی علیه السلام و در صبر، مانند حضرت ایوب علیه السلام است و بدیهی است هر که دانش آدم، فهم نوح، بردباری ابراهیم، صلابت موسی، دنیاپرهیزی عیسی و شکیبایی ایوب را داشته باشد، از کسانی که چنین نیستند، برتر است. این ویژگی در میان افراد امت پیامبر صلی الله علیه و آله، مخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام است و جز او، هیچ کس چنین نیست.

امیر محمد صنعانی (م ۱۱۸۲) از عالمان اهل سنت، پس از نقل حدیث تشبیه از ابوالحمرء و ابن عباس، تأکید نموده که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در صفاتی مانند علم و فهم و حلم و توانمندی و زیبایی، به آدم و نوح و ابراهیم و موسی و یوسف، مانند کرده است. وی در ادامه

۱. خلاصه عقیقات - حدیث تشبیه، ص ۳۳۵، به نقل از: ارشاد العقل السلیم، ج ۸، ص ۹۰.

می نویسد:

بردباری و دانش و فهم و زهد و توانمندی و زیبایی، شریف‌ترین ویژگی‌هایند و علی به کامل‌ترین مرتبه این صفات دست یافته بود؛ چراکه بردباری پیامبران کامل‌ترین بردباری، دانش انبیا بی‌نقص‌ترین دانش، فهم ایشان تمام‌ترین فهم، زهد آنان رفیع‌ترین زهد و توانمندی‌شان بالاترین توانمندی است. تو را بس است آشنایی با مردی که خدا او را با این صفات، کامل کرد و پیامبرش همگان را آگاهانید که او بدین ویژگیها دست یافته و با کامل‌ترین کسانی که بدین اوصاف آراسته بودند، همانندش کرد و فرمود: هر که می‌خواهد پیامبرانی را که بدین ویژگیها متصف بودند، ببیند و به‌نحوی که گویا زنده‌اند، به آنان بنگرد، بدین مرد که تمام آن صفات را در خود گرد آورده‌است، نظاره کند.<sup>۱</sup>

### اعتراف ابوبکر به دلالت حدیث تشبیه به افضلیت

در روایت حارث همدانی از حدیث تشبیه آمده‌است:

پیامبر ﷺ در میان گروهی از اصحاب خود فرمود: «دانش آدم و فهم نوح و حکمت ابراهیم را به شما خواهم نمایانم.» زمانی نگذشت که علی به آن جمع وارد شد. ابوبکر گفت:

یا رسول الله! آیا مردی را با سه تن از فرستادگان الهی مقایسه کردی؟

۱. خلاصه عقیقات - حدیث تشبیه، ص ۳۱۴ - ۳۱۸ به نقل از: الرّوضة النّدیة.

آفرین به این مرد! ای پیامبر! این مرد کیست؟  
 پیامبر ﷺ پاسخ داد: ای ابوبکر! آیا او را نمی‌شناسی؟  
 ابوبکر گفت: خدا و فرستاده‌اش داناترند که او کیست.  
 پیامبر ﷺ فرمود: آن مرد ابوالحسن، علی بن ابی‌طالب، است.  
 ابوبکر گفت: آفرین! آفرین، ای ابوالحسن! کجا همانندی برایت یافت  
 می‌شود؟<sup>۱</sup>

در این حدیث، دو نکته مهم نهفته است: یکی، اعتراف آشکار ابوبکر به دلالت حدیث تشبیه به برابری امام علیؑ و پیامبران یادشده؛ و دیگری، تصدیق سخن ابوبکر از سوی رسول خدا ﷺ و نیک می‌دانیم که تصدیق و تأیید آن حضرت حجّت است. ابوبکر از این حدیث، برابری را دریافته است؛ چراکه او به حضرت رسول ﷺ عرض می‌کند: مردی را با سه تن از فرستادگان الهی مقایسه کردی؟ و قسّت (=مقایسه کردی)، یعنی: ساوئت (برابر ساختی). زیرا قیاس کسی با دیگری به معنای برابر ساختن او با دیگری و اندازه کردن او با همانندش است.<sup>۲</sup>

افزون بر این، در حدیث آمده است که ابوبکر به امیرالمؤمنین علیؑ گفت: «کجا همانندی برایت یافت می‌شود؟» کلام ابوبکر نشان می‌دهد که وی برابری یادشده در حدیث را دلیل آن دانسته که همانندی برای

۱. همان، ص ۳۱۹. به نقل از: مناقب خوارزمی، ص ۴۴ - ۴۵.

۲. همان، ص ۳۲۱. به نقل از: التعریفات، ص ۷۸؛ صحاح جوهری، مواد قوس و قیس؛ القاموس المحيط، مادة قیس.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وجود ندارد. این خود دلیلی دیگر بر افضلیت آن حضرت است؛ به ویژه آنکه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این سخن ابوبکر را تصدیق و تأیید فرموده است. بنابراین، برابری با پیامبران به افضلیتِ شخص برابر دلالت می‌کند.

### برتری پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دیگر پیامبران در قرآن کریم

در قرآن کریم، آیاتی هست که پس از ذکر نام شماری از پیامبران و ویژگیهای آنان، خدا به نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد: «فَمَهْدَاهُمْ أَقْتَدَهُ» پس به هدایت آنان اقتدا کن.<sup>۱</sup> عالمان بزرگ بر اساس این آیات، به برتری پیامبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از همه انبیاء و رسل عَلَيْهِمُ السَّلَامُ استدلال کرده‌اند. فخر رازی در تفسیر «فَمَهْدَاهُمْ أَقْتَدَهُ» می‌نویسد:

دانشمندان به همین آیه احتجاج کرده‌اند که پیامبر ما از همه پیامبران، برتر است... خدای متعال تنها از این رو، از تک‌تک این پیامبران نام برده که در هر یک از ایشان، صفت معینی از اوصاف ستوده و شریف، چشمگیر بوده و پس از یادکرد همه آنان، محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به پیروی از تمامی آنان دستور داده است. گویا خدای حکیم به محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمان می‌دهد که همه خوبیهای پرستش و فرمانبری را - که در همه پیامبران به گونه پراکنده موجود است - در خود گرد آورد. وقتی خدای تعالی چنین دستوری به پیامبر داده، محال است که آن حضرت در انجام آن و دستیابی به آنچه بدان مأمور شده است، کوتاهی کند. بنابراین، ثابت می‌شود که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

آنچه را فرمان یافته تا به دست آورد، به دست آورده است. حال که چنین است، ثابت می‌شود که خصال نیکی که در همه پیامبران پراکنده است، در رسول خدا ﷺ جمع است و بدین سبب، واجب است که گفته شود: آن حضرت از همه انبیا برتر است.<sup>۱</sup>

دانشمندان از آیه کریمه، نتیجه گرفته‌اند که پیامبر ما ﷺ از دیگر پیامبران برتر است. حدیث تشبیه نیز در استدلالی مشابه، به برتری سرورمان امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبران، دلالت می‌کند. البته اثبات برتری امیرمؤمنان علیه السلام از انبیا بر اساس حدیث تشبیه، از اثبات برتری رسول خدا ﷺ از دیگر فرستادگان، آسان‌تر است. زیرا اگر فرمان پیروی از هدایت پیامبران پیشین، نشان‌دهنده افضلیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله باشد، وجود ویژگی‌های انبیای گذشته در حضرت امیر علیه السلام - که حدیث تشبیه به روشنی به آن دلالت می‌کند - به طریق اولی، افضلیت امام علیه السلام از آنان را خواهد رساند.

به علاوه، احتجاج به آیه شریفه، به مقدماتی نیازمند است: نخست: وقتی رسول خدا ﷺ به پیروی فرمان یابد، ترک فرمان پیروی از جانب آن حضرت محال باشد. دوم: مراد از هدایت انبیای پیشین، همه خصال نیکویی باشد که به تک‌تک ایشان اختصاص دارد. سوم: پیروی نبی اکرم صلی الله علیه و آله از پیامبران گذشته، مانع برتری حضرتش از ایشان نباشد. لیکن در حدیث تشبیه، به هیچ یک از این مقدمات نیازی نیست و حدیث،

۱. خلاصه عقبات - حدیث تشبیه، ص ۳۰۶ - ۳۱۰، به نقل از: مفاتیح الغیب، ج ۱۳، ص ۶۹ - ۷۱. نیز: تفسیر نیشابوری، ج ۷، ص ۱۸۵؛ السراج المنیر، ج ۱، ص ۴۳۵.



#### پیام حدیث تشبیه / ۴۱

خود، بی هیچ مقدمه‌ای، ویژگیهای پیامبران پیشین را برای امام اثبات می‌کند.

آری، با استناد به آیات یادشده، پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای جمیع ویژگیهای پراکنده در انبیاست و همین نکته برتری او از آنان را می‌رساند. حدیث تشبیه نیز با استدلالی مشابه، به افضلیت علی عَلِيٍّ از پیامبران یادشده در حدیث، جز پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دلالت خواهد کرد. از همین رو، وی افضل افراد امت پس از پیامبر خواهد بود.

#### اعتراف ابن تیمیّه به افضلیت شبیه‌ترین فرد به نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن تیمیّه (م ۷۲۸) از دانشمندان اهل سنت و از سرسخت‌ترین مخالفان تشیع است. وی درباره ارتباط میان افضلیت و خلافت گفته است:

پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برترین مردمان است و شبیه‌ترین مردم بدو، از دیگرانی که این گونه نیستند، برتر است. خلافت جانشینی نبوت است، نه پادشاهی؛ از این رو، هر که جانشین نبی شود و بر جای او بنشیند، شبیه‌ترین مردمان به وی خواهد بود و شبیه‌ترین فرد به نبی از همگان برتر است. بنابراین، هر که جانشین پیامبر شود، از دیگران بدو شبیه‌تر است و شبیه‌ترین، برترین است؛ پس خلیفه برترین فرد خواهد بود.<sup>۱</sup>

در این سخن بنگرید: «شبیه‌ترین فرد به نبی از همگان برتر است.»

---

۱. خلاصه عقاید - حدیث تشبیه، ص ۳۲۲، به نقل از: منهاج السنه ۸ / ۲۲۸.

سخنی است پذیرفته و درست؛ زیرا شک و تردیدی نیست که نبی، برترین مردمان است و شبیه‌ترین فرد به افضل، از همگان افضل است. حدیث تشبیه مصداق حقیقی این امر درست را معین می‌کند. زیرا امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ شبیه‌ترین مردمان به پیامبرانی است که بی‌گمان، از خلفای سه‌گانه برترند و هر که شبیه‌ترین فرد به آنان باشد، افضل خواهد بود؛ پس امام عَلَيْهِ السَّلَامُ از خلفای سه‌گانه و غیر آنها افضل است.

در این گفته اندیشه کنید: «هر که جانشین نبی شود و بر جای او بنشیند، شبیه‌ترین مردمان به وی خواهد بود و شبیه‌ترین فرد به نبی از همگان برتر است.» لیکن کسانی که پس از درگذشت پیامبر، بی‌اذن خدا و بی‌رضایت رسول، حکمرانی مسلمانان را در دست گرفتند، در حقیقت، جانشین رسول خدا به شمار نمی‌روند. از این رو، سخن گفتن از شباهت آنان با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بی‌معناست. در مقابل، حدیث تشبیه نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ شبیه‌ترین فرد به نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و بنا بر گفته ابن تیمیّه، شبیه‌ترین فرد به نبی از همگان برتر است. پس علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از همگان برتر است و به همین سبب، تنها اوست که شایسته جانشینی پیامبر است.

همچنین، اگر شرط جانشینی پیامبر این باشد که جانشین شبیه‌ترین فرد به نبی باشد، لازم است که جانشین، همچون نبی، معصوم باشد. اما خلفای سه‌گانه معصوم نبودند.

### ۳. عصمت

تشبیه غیر معصوم به معصوم، جایز نیست.

بی‌گمان، تشبیه امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ به پیامبران، افزون بر افضلیت، نشان‌دهنده عصمت اوست و اگر این گونه نبود، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین سخنی نمی‌فرمود. سُبکی در این باره می‌نویسد:

ذهبی می‌گوید: «علقمه گفته‌است: عبدالله بن مسعود را در روش و سیره‌اش، به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تشبیه می‌کنند.» *أَمَا مِنْ دِرْبَارَةِ ابْنِ مَسْعُودٍ دَهَانَ مِی بِنْدَمُ؛ چَرا که نمی‌توانم کسی را در هیچ امری، به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تشبیه کنم و چنین کاری را نیکو نمی‌شمارم و روا نمی‌دارم. نهایت آنچه دلم بدان خرسند می‌شود، آن است که بگویم: عبدالله تنها در آنچه توان و توفیقش را از خدای عزّ و جلّ گرفته بود و نه در همه چیز، بدان حضرت اقتدا می‌کرد؛ زیرا نه ابن مسعود بدان پایه‌است که با پیامبر خاتم همانند شود و نه صدیق و نه حتی آن که خدا به عنوان خلیل خود برگزیدش.<sup>۱</sup>*

می‌نگرید که تاج‌الدین سُبکی تشبیه ابن مسعود و ابوبکر را به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روا نمی‌دارد. بنابراین، اگر سرور ما امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ معصوم نبود، نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وی را در این ویژگی‌های پرشکوه، به پیامبران پیشین تشبیه نمی‌فرمود؛ زیرا این تشبیه قطعاً بدون عصمت نارواست.

بدین گونه، روشن می‌شود که تشبیه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در

۱. خلاصه عیقات - حدیث تشبیه، ص ۳۲۴، به نقل از: طبقات الشافعیه، ج ۲، ص ۲۹۶.

حدیث تشبیه، نشان‌دهنده عصمت اوست. و اگر روا باشد که تشبیه امام علیه السلام به پیامبران، به تشبیهات شعری و مجازی حمل شود، نه تنها تشبیه ابن مسعود، بلکه تشبیه خلیفه اول و حتی خلفای دوم و سوم به پیامبر خاتم، بی‌هیچ سختگیری و درنگی، جایز خواهد بود.

#### تحریم تشبیه برخی از احوال غیر نبی به نبی

تشبیه غیر نبی به نبی، بلکه تشبیه برخی از احوال غیر نبی به نبی، نزد شماری از دانشمندان اهل تسنن حرام است.<sup>۱</sup> بنابراین، اگر امیرالمؤمنین علیه السلام بسان دیگر صحابه معصوم نبود، تشبیه وی به پیامبران، ناروا و نادرست بود.

---

۱. همان، ص ۳۲۵ - ۳۳۱، به نقل از: الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ج ۲، ص ۵۲۱-۵۲۹.

### نتیجه

حدیث تشبیه نزد خردمندان، روشن و آشکار، نشان می‌دهد که امیرمؤمنان علیه السلام در ویژگیهای مذکور در حدیث، با پیامبران یادشده، مساوی است و آنچه خوبان همه دارند، او تنها دارد. بنابراین، علی علیه السلام از همه انبیای مذکور در حدیث، جز رسول خدا صلی الله علیه و آله برتر است. افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبران، برتری حضرتش را از تمام افراد امت پیامبر صلی الله علیه و آله در پی خواهد داشت و همین امر دلیل آن است که شایستگی جانشینی نبی اکرم، یعنی امامت، به علی علیه السلام اختصاص دارد.



## فهرست منابع

۱. امالی شیخ صدوق؛ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی؛ تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۲. امالی شیخ طوسی؛ طوسی، محمد بن الحسن؛ قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۳. امالی شیخ مفید؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۴. تاریخ مدینه دمشق؛ ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۵. تلخیص المحصل؛ طوسی، نصیرالدین؛ بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۶. خلاصه عیقات الانوار (مجلد حدیث تشبیه)؛ هندی، میر حامد حسین؛ تلخیص و تحقیق: سید علی حسینی میلانی؛ ترجمه: مرتضی نادری؛ تهران: نبأ، ۱۳۸۶ ش.
۷. الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام؛ قمی، شاذان بن جبرائیل؛ تحقیق: علی شکرچی، ۱۴۲۳ ق.
۸. شرح المقاصد؛ تفتازانی، سعدالدین؛ پاکستان: دارالمعارف النعمانیة، ۱۴۰۱ ق.
۹. شرح المواقف؛ جرجانی، علی بن محمد؛ مصر: مطبعة السعادة، ۱۳۲۵ ق.
۱۰. شرح باب حادی عشر؛ سیوری، مقداد؛ بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. شرح نهج البلاغه؛ ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. شواهد التنزیل؛ حسکانی، ابوالقاسم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

١٤١١ ق.

١٣. عِبَقَات الانوار (مجلد حديث تشبيه)؛ هندی، میرحامد حسین؛ اصفهان:

کتابخانه عمومی امیرالمومنین عليه السلام، ١٣٦٦ ش.

١٤. الغدير في الكتاب و السنة و الادب؛ اميني، عبدالحسين؛ قم: مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، ١٤١٦ ق.

١٥. كشف المراد؛ حلي، حسن بن يوسف؛ قم: جامعه مدرسين، ١٤١٧ ق.

١٦. كمال الدين؛ صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي؛ قم: انتشارات دار الكتب الاسلاميه، ١٣٩٥ ق.

١٧. المسلك في اصول الدين؛ حلي، جعفر بن الحسن؛ مشهد: مجمع البحوث الاسلاميه، ١٤٢١ ق.

١٨. معجم الادباء؛ حموي، ياقوت؛ بيروت: دارالغرب الاسلامي، ١٤١٤ ق.

١٩. مناقب علي بن ابي طالب؛ اصفهاني، ابن مردويه؛ قم: دارالحديث، ١٤٢٤ ق.

٢٠. المواقف؛ ايجي، عضدالدين؛ بيروت: دارالجيل، ١٤١٧ ق.

٢١. نفحات الازهار؛ حسيني ميلاني، سيد علي؛ قم: نشر الحقائق، ١٤٢٦ ق.

٢٢. النكت الاعتقاديّه؛ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان؛ قم: كنگرة شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.

٢٣. نهج الايمان؛ ابن جبر، علي بن يوسف؛ مشهد: مجتمع امام هادي عليه السلام، ١٤١٨ ق.

٢٤. نهج الحق؛ حلي، حسن بن يوسف؛ قم: دارالهجره، ١٤٢١ ق.

٢٥. ينابيع الموده؛ قندوزي، سليمان بن ابراهيم؛ تهران: اسوه، ١٤١٦ ق.